



و فرهنگ و هنر...

سینما و تلویزیون یکی از قویترین و گسترده ترین ابزارهای فرهنگی و هنری در دوران معاصر به شمار می‌آیند. خیلی وقتها در مورد نوع حجاب و پوشش بازیگران تلویزیون و اهالی سینما حرف و حدیث به میان آمده و از عدم سازگاری آن با الگوی حجاب اسلامی و ایرانی بحث شده است. در غالب این موارد، آنچه عمدتاً مورد توجه و اعتراض منتقدان قرار می‌گیرد، بدحجابی ظاهری و نوع پوشش ناهنجار بازیگران و اهالی سینما بوده است. تا آنجا که حتی برگزاری جشنواره فیلم فجر نیز عملاً تبدیل به اجرای انواعی از مزون های عجیب و غریب مد و لباس، یا فشن شوهای آنچنانی میشود. طوری که گاهی برخی از شرکت کنندگان خارجی جشنواره فیلم فجر معتقدند، حتی در جشنواره های کن و اسکار نیز بسیاری از سوپرستاره های هالیوودی و اروپایی نمی توانند به اندازه بازیگران و بانوان سینمای ایران جلب توجه جنسی کنند! اما تمام این موارد فقط ظاهر قضیه و بخشی از یک کوه یخی بزرگ است که قسمت کوچکی از آن از آب دریا بیرون مانده است.

اجازه دهید به صورت اجمالی به برخی از مبانی و معیارهای کلی آموزه های دینی در مورد حجاب و حقوق خانواده اشاره کنیم و سپس محتوای فیلم ها و سریال های ایرانی را با آنها بسنجیم. هر نظام قانونگذاری ابتدا شرایط عادی و مصالح حداکثری افراد یک جامعه را در نظر می گیرد و قانون

”

از کنت و کانت گرفته تا نیچه و شوپنهاور و فروید و لاکان و... کدام جامعه شناس، فیلسوف، یا روانکاو و روانشناس غربی را سراغ دارید که قبول کند عدم هرگونه رابطه جنسی بین سیاوش و جیران در چنین شرایطی قابل تصور و امری عادی و پیش پا افتاده است؟! ”

”

اما نکته اینجاست که شما، در سینما یا تلویزیون ایران، هیچ وقت با موردی مواجه نمی شوید که پدر یا ازدواج دخترش مخالفت کند و و به صورت طبیعی حق با او هم باشد! یعنی هیچ پدری خوشبختی دخترش را تشخیص نمی دهد

گذاری می کند. سپس موارد استثنایی در قوانین فرعی و تبصره ها بحث میشود. آموزه های دینی در درجه نخست، گرایش و نیروی جنسی را جدی می دانند، اما به صورت همزمان اولویت اول را به تقوا و پاکدامنی می دهند. اولویت دوم حفظ حداکثر منافع و مصالح فرزندان، به عنوان نسل آینده جامعه بشریست. فرزندی که حتی المقدور باید از حمایت پدری و محبت مادری برخوردار باشند. دقیقاً همین مسئله است که فلسفه وجودی معیار نخست را توضیح می دهد. کاملاً طبیعی و بدیهی است که هر مادری از نسبت مابین خود و فرزندش اطمینان دارد. چرا؟ چون خودش او را به دنیا می آورد؛ اما در مورد پدر ماجرا فرق میکند. هیچ کودکی فرزند او نیست، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. (رعایت حریم و حرمت و محرم و نامحرم و... در همین راستا معنا دارد.) اولویت سوم حفظ منافع و مصالح حداکثری زنان است. به عنوان مثال، آرمان و هدف نهایی هر نظام اقتصادی رسیدن به رفاه مادی است. اسلام در همان گام نخست، نیمی از افراد جامعه را از مسئولیت مستقیم اقتصادی معاف می کند. در این نظام حقوقی، زنان به صورت مستقیم، هیچگونه تعهد و مسئولیت اقتصادی ندارند و از هرگونه فعالیت در این عرصه معاف هستند، نه محروم. تمام مخارج زندگی آنها برعهده پدر و پس از ازدواج برعهده شوهر است...

اولویت و ستون چهارم را می توان اینگونه معرفی کرد: حداکثر فرصت ازدواج و لذت جنسی، برای حداکثر افراد، در حداکثر شرایط. مواردی چون جواز تعدد زوجین و صیغه در همین راستا معنا دارند. در نخستین آیه ای که قرآن کریم بحث تعدد زوجین را مطرح میکند، از ضرورت شرط عدالت سخن می گوید. اگرچه بلافاصله، در همین آیه نیر یادآور می شود که اجرای چنین عدالتی بسیار دشوار است. این یعنی اینکه حالت عادی و فراگیر همان تک همسری است. (و تعدد زوجین یک استثنا محسوب می شود.) یا شرط اجازه پدر در راستای ازدواج دختر، به اولویت های اول و دوم مربوط می شود. پدرانی که قطعاً پیش و بیش از هر مرد دیگری نگران آینده و خوشبختی دختران خودشان هستند. (دختران جوانی که اگر بالغه و رشیده محسوب نشوند، ممکن است تحت تاثیر احساسات جوانی و بی تجربهگی به آینده احتمالی خود

